
جستجو

آخرین نوشته ها

سخن آغازین (http://mag.ijtihadnet.ir/%d8%b3%d8%ae%d9%86-%d8%a2%d8%ba%d8%a7%d8%b2%db%8c%d9%86) -

«کودک» خواندن فرد ۱۸ ساله، بازی با الفاظ است
http://mag.ijtihadnet.ir/%da%a9%d9%88%d8%af%da%a9-%d8%ae%d9%88%d8%a7%d9%86%d8%af%d9%86-%d9%81%d8%b1%d8%af-18-%d8%b3%d8%a7%d9%84%d9%87%d8%8c-%d8%a8%d8%a7%d8%b2%db%8c-%d8%a8%d8%a7-(/d8%a7%d9%84%d9%81%d8%a7%d8%b8)

تنها اثر مجازات کودکان زیر ۱۸ سال، افزایش بزهکاری است
http://mag.ijtihadnet.ir/%d8%aa%d9%86%d9%87%d8%a7-%d8%a7%d8%ab%d8%b1-%d9%85%d8%ac%d8%a7%d8%b2%d8%a7%d8%aa-%da%a9%d9%88%d8%af%da%a9%d8%a7%d9%86-%d8%b2%db%8c%d8%b1-18-%d8%b3%d8%a7%d9%84%d8%8c-(/d8%a7%d9%81%d8%b2%d8%a7%db%8c)

بلوغ در مذاهب اسلامی (http://mag.ijtihadnet.ir/%d8%a8%d9%84%d9%88%d8%ba-%d8%af%d8%b1-%d9%85%d8%b0%d8%a7%d9%87%d8%a8-%d8%a7%d8%b3%d9%84%d8%a7%d9%85%db%8c) -

ارتداد فکری، مستوجب مجازات حد نیست
http://mag.ijtihadnet.ir/%d8%a7%d8%b1%d8%aa%d8%af%d8%a7%d8%af-%d9%81%da%a9%d8%b1%db%8c%d8%8c-%d9%85%d8%b3%d8%aa%d9%88%d8%ac%d8%a8-



برخورد حاکمیتی با بازی‌های آسیب‌زا، مشروع نیست

اختصاصی شبکه اجتهاد: حجت‌الاسلام دکتر سید محمدعلی ایازی، استاد حوزه و دانشگاه، علاوه بر تبحر در علوم قرآنی، از فقه‌پژوهان نواندیش نیز به شمار می‌آید. با او که رساله‌ای در رابطه با حکم فقهی استفاده از کتب ضاله نگاشته است، درباره امکان تنقیح مناط از حکم حرمت کتب ضاله برای استدلال بر حرمت استفاده از بازی‌های آسیب‌زا گفت‌وگو کردیم. او تأکید داشت که کتب ضاله، همیشه و برای همگان حرام نیست. از طرفی، برای جلوگیری از ضلالت مردم، امروزه دیگر روش‌های سلبی و حاکمیتی جوابگو نیست.

مراد از ضاله در حکم «حرمت استفاده از کتب ضاله»، مخالفت مطالب کتاب با ضروریات است یا شامل مخالفت با نظر مشهور علما نیز می‌شود؟

در تعریف کتاب ضلال اتفاق نظر وجود ندارد. اینکه آیا تنها کتبی که موجب گمراهی قطعی می‌شوند حرام هستند یا اگر ظن به گمراهی داشتیم نیز موجب حکم به حرمت آن‌ها می‌شود؟ یا اینکه حکم حرمت تنها در صورتی است که محتوای کتاب برخلاف حق باشد یا اگر محتوای آن حق بوده، ولی موجب سوءاستفاده یا گمراهی افراد بشود هم حرام می‌گردد؟

در آغاز باید معیاری برای ضلالت و تشخیص آن مشخص کرد و اینکه آیا معیار، تشخیص فرد است یا جمع؟ ملاحظه نراقی در تعریف ضلال می‌گوید: مراد از ضلال آن چیزی است که واقعاً مخالف با حق باشد، همان‌طور که مخالف ضروری نیز چنین است یا آنکه مراد از ضلال تنها مخالف با حق برحسب علم مکلف است اما در جایی که مخالفت با حق از نظر شخص صورت ظنی داشته باشد، فایده‌ای ندارد. این تعریف را شیخ انصاری نیز گفته است.

صاحب‌جواهر در تعریف کتب ضلال پس از آنکه نظر استاد خود کاشف‌الغطاء را نقل می‌کند که به‌صورت سلبی بسیاری از مواردی که در کتاب‌های فقهی از مصادیق کتاب ضلال را خارج از موضوع دانسته و خواسته تا محدوده‌ای برای تعریف این عنوان کاشف‌الغطاء تعیین کند، می‌نویسد: منظور از کتب ضلال آن نیست که در آن‌ها به‌هیچ‌وجه سخنان خلاف حق نداشته باشد، وگرنه نباید به هیچ کتابی مراجعه کرد، مانند کتاب‌های لغت و ادب عربی و تفسیر و غیر آن‌ها که احیاناً در آن‌ها موارد خلاف حق دیده می‌شود و لازمه چنین سخنی آن است که این کتاب‌ها را از باید بین برد.

همچنین منظور کتاب‌های مخالفان مذهب برای همه حتی فقیهان نیست که می‌خواهد به آرا و ادله آنان دسترسی پیدا کند یا کتاب‌هایی که مسائلی را طرح می‌کنند که مستند اهل ضلال است؛ چون در بسیاری از این کتاب‌ها مطالبی دیده می‌شود که جنبه علمی دارد که باید عالم اسلامی و فقیه آن را بداند. بلکه **معیار ضلالت، چیزی است که وضع و نگارش آن با هدف تقویت گمراهی بوده است.** بنابراین، معیار تشخیص ضلالت، مورد اتفاق نیست و اگر معیاری هم وجود داشته باشد، آن معیار، تشخیص فرد نیست، بلکه تشخیص جمع و نوع است. مراد از مخالفت هم صرف مخالفت با مشهور و یا ضروری نیست، بلکه مخالفتی است که شنیدن آن موجب انحراف شود.

اما بازی‌های رایانه‌ای که موضوع این گفت‌وگو است، امری مستحدث است که سابقه چندانی ندارد. البته ملاک و معیارش همان معیار کتب ضاله است که باید بحث کنیم اولاً مراد از کتب ضاله چیست که مختصری اشاره شد و ثانیاً مصادیق آن کدامند؟ همچنین نوع برخورد فقها با کتب ضلال چگونه بوده است؟ آیا آن‌ها را آتش می‌زدند یا به نحوه دیگری امحاء می‌کردند؟ اما تفاوت کتب ضاله با مصادیق جدید ضلال این است که مثلاً از بین بردن بازی اینترنتی اصلاً معنا ندارد و حداکثر کاری که می‌توان کرد این است که این بازی‌ها را از دسترس اشخاص خارج کنیم یا حکم به حرمت تکلیفی این بازی‌ها کنیم.

علی‌القاعده، حکومت می‌تواند افراد را نسبت به خرید و فروش این بازی‌ها منع بکند؟

بحث حکومت، خود بحث مستقلی است که هیچ‌کدام از فقهای ما اصلاً متعرض مسأله حکومت نشدند. بلکه بحث تکلیف فردی بوده است که آیا جایز است فردی این بازی‌ها را بفروشد یا نه؟

یعنی بحث حکومت داخل در عناوین ثانویه می‌شود؟

خیر. اصلاً بحث است که آیا حکومت اصولاً حق وارد شدن در این حوزه‌ها را دارد یا ندارد؟ بنده در کتاب «قلمروی اجرای شریعت در حکومت دینی»، آن بحث را مستقلاً مطرح کردم.

در میان علمای ما این بحث، به شدت اختلافی است که اصلاً عنوان کتب ضاله بر چه چیزی صدق می‌کند و شخصی که از این کتب ضاله استفاده می‌کند به چه انگیزه‌ای استفاده می‌کند؛ مثلاً کسی که کتب ضاله را مطالعه می‌کند، برای این که مطلع بشود یا کتاب ضاله را می‌خرد، برای این که رد بکند، آیا این عنوان را دارد؟ مسلماً آن عنوان را ندارد.

منظورتان از اینکه کسی که کتب ضاله را به انگیزه رد مطالب آن می‌خواند، عنوان کتاب ضاله را ندارد چیست؟ آیا منظورتان نفی حکم (حرمت کتب ضاله) است؟

درباره کتب ضاله گاهی از **حیث موضوع** بحث می‌کنیم و گاهی از **حیث حکم**. مثلاً بعضی از علما گاهی حتی کتب عامه را هم جزء کتب ضاله گرفتند. نقل می‌کنند که مرحوم آیت‌الله بروجردی می‌فرمود بعضی از علما، کتاب خلاف شیخ طوسی را که اقوال عامه در آن بوده است با انبر ورق می‌زدند؛ چون این کتاب را از کتب ضاله می‌دانستند. اصلاً بعضی از مفاهیم در زمان ما عوض شده و امروز یک امر بدیهی تلقی می‌شود. مثلاً قبلاً می‌گفتند خرید و فروش مصحف به غیرمسلمانان جایز نیست اما امروز این حرف اصلاً معنا و امکان ندارد یا مثلاً درباره گرفتن جزیه از غیرمسلمان، هیچ فقیهی و هیچ حکومتی این مسئله را مطرح نمی‌کند که ما باید از غیرمسلمانان جزیه بگیریم، با این که آیه قرآن در این باره صراحت دارد: «حَتَّىٰ يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ» و سیره هم بر اخذ جزیه بوده است. علت این است که مفهوم آن در زمان ما عوض شده است.

در مفهوم کتب ضاله چه تغییری صورت گرفته است؟

به‌عنوان مثال، در سابق همه فقهای ما بالاجماع قائل بودند که خواندن کتب یهود و نصارا حرام است، چون این کتاب‌ها از کتب ضلال هستند، ولی امروزه، کتب یهود و نصارا همه در جامعه می‌خوانند، بدون اینکه از مذهب حق منحرف شوند. نسبت به اقوال عامه همین‌طور. لذا به نظر می‌رسد ضلال در جایی است که واقعاً ضلالت و گمراهی را ایجاد بکند.

علاوه بر این، گمراهی هم دو صورت دارد؛ یک گمراهی این است که وقتی شبهه‌ای برای من ایجاد می‌شود، این شبهه در ذهن من تثبیت می‌شود و حل نمی‌شود، ولی یک وقت است که من آن کتاب را که می‌خوانم، بعد از آن حرف‌ها و نظرات دیگران را هم می‌بینم و لذا اشکال برطرف می‌شود.

به عبارت دیگر یک شبهه بدوی داریم و یک شبهه نهایی. در شبهه بدوی، ولو ضلال هم باشد، هیچ وجهی برای حرمتش نیست. شخصی، کتابی راجع به ماتریالیسم نوشته بود و پنجاه دلیل بر رد اثبات وجود خدا در آن کتاب بیان کرده بود. دفتر تبلیغات این کتاب را در ۵۰۰ نسخه چاپ کرد و به محققان داد. وقتی که برهان نظم یا برهان حرکتش را خواندم، دیدم خیلی ادله قوی است، خیلی شبهه، شبهه قوی‌ای است. آیا می‌توان گفت چون این شبهه در من ابتدائاً تأثیر می‌گذارد نباید بخوانم؟ اگر بگوییم مطالعه کتبی که موجب ایجاد شبهات بدویه هم بشود، حرام است. پس چه کسی باید پاسخ شبهات را بدهد؟ در ابتدا که شبهه را می‌خواند گمراه می‌شود، یعنی برایش شک و تردید حاصل می‌شود، ولی بعد از مطالعه و تحقیق و تفحص، جواب شبهه را می‌دهد. اصلاً در علم اصول شبهه‌ای به نام شبهه ابن‌عقده وجود دارد که خیلی از فقها از آن جواب داده‌اند. یعنی این شبهه، یک شبهه بدویه بوده است و بعد از تأمل، جواب داده شده است.

یا در بحث طلب و اختیار که مثل محقق خراسانی با آن عظمت می‌گوید: «چون قلم به اینجا رسید، سر بشکست». یعنی گیر کرده، شبهه هم هست، شبهه خیلی مهمی است که چگونه باید افعال را به خدا نسبت دهیم؟

با این تفسیر، آیا به نظر شما، بازی‌های رایانه‌ای جزء مصادیق ضال و گمراهی واقع می‌شود یا خیر؟

باید دید بازی‌های رایانه‌ای مصداق چه عنوانی هستند؟ یک‌بار بازی‌های رایانه‌ای را از مصادیق قمار به حساب می‌آوریم که در آن برد و باخت هست. اگر برد و باخت باشد که تردیدی در حرمتش نیست، مگر در آن مواردی که تخصیص خورده است، مثل حافر و ریش و نسل و هر چیزی که با همان ملاک باشد؛ یعنی در صورتی که منفعتی عقلایی در آن باشد.

درباره قمار هم قرآن می‌گوید: «اِثْمُهُمَا اكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا». پس معلوم می‌شود که در قمار هم منفعت وجود دارد و اگر تنقیح مناط کنیم، باید درباره قمار هم همین ملاک را بپذیریم.

نه، منفعتی که در مثل شنا و تیراندازی هست، در قمار نیست. در شنا کردن یا در تیراندازی کردن فایده دوطرفه است. یعنی کسی که برنده شده، منفعت برده است و کسی هم که باخته، هرچند ضرر مالی کرده اما مهارتی در شنا کردن پیدا کرده و به نقاط ضعف خود پی می‌برد. برخلاف قمار که منفعت فقط برای برنده است و بازنده هیچ منفعتی نمی‌برد.

یعنی شما نسبت به مسابقات تیراندازی و شنا، تنقیح مناط می‌کنید به این‌که هر جایی که یک منفعت عقلایی داشته باشد جایز است؟

بله، در کتاب «ملاکات احکام» این بحث‌ها را مطرح کرده‌ام که این موارد مثل نماز و روزه و سایر مسائل تعبدی نیستند. نسبت به نماز، ما از سرش آگاه نیستیم که خداوند متعال چرا نماز صبح را دو رکعت قرار داده است. اما مثل شنا کردن و تیراندازی مسائل غیر تعبدی هستند.

مراد از منفعتی که مطرح می‌فرمایید، منفعت نوعی است؟

بله، مراد منفعت نوعی است. در ادامه سخن پیشین، عرض کردم که بازی‌های رایانه‌ای اگر قمار شد، به جز در موارد استثناء، حرام است. البته با این توضیح که شخصاً معتقدم بازی با آلات قمار بدون برد و باخت، حرمتی را در پی ندارد.

برخی دیگر از فقها حرمت بازی‌های رایانه‌ای را از باب لهو می‌دانند. اثبات حرمت بازی‌های رایانه‌ای از باب لهو، منوط بر این است که ما یک دلیل مطلق بر حرمت لهو داشته باشیم. در اینجا چهار عنوان مطرح است: عنوان باطل، عنوان لهو، عنوان لغو و عنوان لعب. ما از ادله چنین چیزی استفاده نکردیم که مطلق لعب، لهو، لغو یا باطل حرام باشد. بله، ممکن است مرجوح باشد، ولی حرمت علی الاطلاق قابل استفاده نیست.

وجه چهارم که به نظر من کمتر روی آن فکر و مطالعه شده، این است که بازی رایانه‌ای یک نوع آسیب اخلاقی و یا آسیبی اعتقادی و انحراف ایجاد کند. مثلاً فرض کنید امروز در آمریکا یک بازی ساختند که در آن مسلمان‌ها را آدم‌های خشنی نشان می‌دهد و باید آن‌ها را کشت. این بازی علاوه بر ترویج خشونت، مسلمان‌ها را نیز تحقیر و به آن‌ها توهین می‌کند. این بازی در حدی آسیب‌زا بود که حتی دولت آمریکا این بازی را ممنوع کرد. نسبت به موسیقی هم همین‌طور است. آقای نصر در کتاب جوامع غرب می‌گوید: در آمریکا برخی از موسیقی‌ها جزء موسیقی‌های مسموم است و غربی‌ها نیز این موسیقی را بد می‌دانند. این صورت چهارم، تابع بحث کتب ضاله می‌شود و همه آن احکام و بحث‌هایی که ما در باب کتب ضاله کردیم، به این صورت برمی‌گردد، نه به آن سه صورت دیگری که گفتیم.

یعنی همه آن مطالبی که فرمودید در طول دوران و اعصار مختلف، مفهوم ضلال عوض شده، در بازی‌های رایانه‌ای هم همین مباحث مطرح است.

همه مطرح است. مثل اینکه چرا می‌خواهم از بازی رایانه‌ای استفاده کنم؟ آیا می‌خواهم مطلع بشوم و بدانم یا نه؟ آیا استفاده می‌کنم برای این‌که ببینم اثرات روحی و روانی‌اش چگونه است یا اینکه صرفاً غرضم، تفریح است؟ به هر حال، اگر ضرر و زیان این بازی‌ها، ضرر معتدبه باشد، حرام

خواهد بود. مثل کتب ضاله که ضالته معتدبه دارد و شخص در گمراهی باقی خواهد ماند. البته چنین فرضی نادر خواهد بود، ولی اگر این فرض پیش آمد، ما قائل به حرمت می‌شویم. البته همان‌طور که عرض کردم در حال حاضر، نظام اطلاع‌رسانی و نظام اجتماعی شکل دیگری شده است که خیلی بخش‌ها را با صیانت درست می‌کنند، نه با جلوگیری.

به نظر می‌رسد منظور شما این است که قبل از ورود این بازی‌ها به صحنه زندگی مردم، ابتدا باید فرهنگ استفاده از آن به مردم آموزش داده شود.

بله، منظور من همین است. فقط می‌خواستم این نکته را بگویم که اگر از بازی‌های رایانه‌ای بحث می‌شود، باید تحولات و ملاکات جدید و رعایت مصالح را نیز در نظر گرفت که چه چیزی مصلحت عامه جامعه با تحفظ بر اخلاق و معنویات است؟ یکی از چیزهایی که بحث کردم، تحفظ بر معنویات و اخلاق است اما گاهی اقتضا می‌کند که ما این کار را نکنیم. مثل این‌که بچه شما یک کار خلاف می‌کند. بعضی وقت‌ها نباید این کار خلاف را به روی او بیاورید و الا اگر بگویید بدتر می‌شود. بعضی مواقع باید تغافل کرد و در فرصت مناسب، تذکر داد.

برگردیم به حکم کتب ضاله. با توجه به رساله حضرت‌عالی در رابطه با حکم کتب ضاله، شرایط حرمت آن را چه اموری می‌دانید؟

در آغاز باید این نکته عرض شود که حکم درباره کتب ضاله مسئله‌ای شخصی و تکلیفی است و باید بین نگارش کتب ضلال با حکم وضعی آن تفاوت قائل شد. یعنی اگر انسان مطلبی منتشر کند که موجب گمراهی دیگران شود، به لحاظ تکلیفی حرام است و اگر عالماً و عامداً این کار را انجام دهد، در قیامت مؤاخذه خواهد شد. حتی اگر این سخن او موجب بدفهمی شود، عقلاً باید این کار را نکند اما اینکه دیگران و جامعه حق داشته باشند، از باب ممانعت بر تعاون بر اثم و عدوان و یا نهی از منکر و یا حکومت از باب دفع مفسده به زور و اجبار منع کنند، دلیلی بر آن به تفصیلی که در رساله عرض کرده‌ام نداریم. حداکثر کاری که می‌تواند بکند این است که دلیل مخالفت خود را بیان کند.

حرمت استفاده از کتب ضاله با آیاتی از قبیل «فَبَشِّرْ عِبَادِ * الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ» چگونه منطبق است؟

فقهای چون صاحب‌جواهر و شیخ مرتضی انصاری برای حرمت نگهداری کتب ضلال به این قبیل آیات استدلال کرده‌اند: «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَ يَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ» (لقمان/۶) و گفته‌اند که خرید و فروش کتاب و بها دادن به گفته یا نوشته‌ای که از راه خدا بازدارد و گمراه‌کننده باشد، طبق این آیه نهی و به عامل آن وعده عذاب سخت داده شده است. لذا این آیه با آیه «فبشر عبادی» منافات ندارد؛ زیرا به دیگران

می‌گوید که شما برای تشخیص حق به مقایسه بپردازید و هر سخنی را با شنیدن آن نپذیرید. بنابراین اگر کسی این کتب ضاله را می‌خواند که انتخاب احسن بکند، مسلماً حرمت ندارد. مثلاً کسی که می‌خواهد رد شبهه بکند یا مطلع از ادله بشود و بعد با ادله خودشان مقایسه کند و ببیند که ادله خودشان چیست یا مطلبی که گفتند چیست.

سیره معصومان در برخورد یا کتب ضاله در زمان خود، چگونه بوده است؟

روایت صحیح و صریحی در حرمت نگهداری و استفاده از کتب ضلال نداریم. روایاتی که فقها برای اثبات حرمت نگهداری کتب ضاله به آن استدلال کرده‌اند هم مشکل سندی دارند و هم اینکه ناظر به صورتی هستند که آن کتاب موجب گمراهی شود. این روایات بر چند دسته هستند که به‌عنوان نمونه به مهم‌ترین آن‌ها که در مکاسب محرمه بیشتر فقهای معاصر آمده اشاره می‌شود.

«مَحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ عَبْدِ الْمَلِكِ بْنِ أَعْيَنَ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) إِنِّي قَدِ ابْتُلَيْتُ بِهَذَا الْعِلْمِ فَأُرِيدُ الْحَاجَةَ فَإِذَا نَظَرْتُ إِلَى الطَّالِعِ وَرَأَيْتُ الطَّالِعَ الشَّرَّ جَلَسْتُ وَ لَمْ أَذْهَبْ فِيهَا وَإِذَا رَأَيْتُ طَالِعَ الْخَيْرِ ذَهَبْتُ فِي الْحَاجَةِ فَقَالَ لِي تَقْضِي قُلْتُ نَعَمْ قَالَ أَحْرَقْ كُتُبَكَ». عبدالمملک بن اعین، می‌گوید به امام صادق (ع) عرض کردم من به نگاه کردن به ستارگان مبتلا شده‌ام. امام فرمود آیا براساس آن قضاوت هم می‌کنی؟ گفتم آری، حضرت فرمود: «کتاب‌هایت را بسوزان.»

طبق این روایت و تفصیلی که از آن حضرت سؤال شده، استفاده می‌شود که نگهداری کتاب‌های باطل، حرام نیست، بلکه ملاک حرمت، ایجاد ضلالت در افراد است و لذا طبق مفاد این روایت کتاب‌های نجوم و هر کتاب دیگری که موجب انحراف شود، باید آن را سوزاند و یا به‌گونه‌ای آن را نابود کرد.

مشکلی که استدلال بر حدیث را سخت کرده، به شرح زیر است:

الف) موضوع روایت روشن نیست که ناظر به چه چیزی است؟ آیا فقط نگاه کردن به ستارگان موجب دستور به سوزاندن و تحریم آن کتاب‌ها شده است که قطعاً چنین نیست؛ زیرا هیچ‌گاه حضرت نمی‌خواهد بگوید چون تو کتابی را خوانده‌ای که تو را وادار به نگاه کردن به ستارگان کرده، باید آن را نابود کنی یا مسائل دیگری در ورای این سؤال و جواب نهفته است.

ب) محتمل است چون خواندن این کتاب‌ها، طبق این روایت موجب شک و شبهه می‌شده و اطمینان به خالق هستی را زایل می‌کرده یا باعث پیدایش یک عقیده می‌شده یا مسئله دیگری بوده که در متن روایت نیامده است، حضرت حکم به نابودی این کتاب‌ها داده‌اند؛ لذا چون روایت از این جهت ساکت است، قابل استدلال نیست.

ج) معلوم نیست این حدیث ناظر به وجوب نبودن کتاب است یا ارشاد برای خلاصی از ابتلای به نجوم. از ظاهر روایت استفاده می‌شود که این ضرر ربطی به تحریم کتب ضلال نداشته است، بلکه مربوط به مشکلی است که برای راوی پیش آمده است. چون راوی می‌گوید: «إِنِّي قَدْ ابْتُلِيتُ بِهَذَا الْعِلْمِ»؛ لذا حضرت می‌گوید: «أَحْرِقْ كُتُبَكَ»؛ کتاب‌هایت را بسوزان.

د) بر فرض اینکه بپذیریم این روایت دلالت بر بیان حکم نابودی کتب ضلال دلالت دارد اما این احتمال بسیار معقول است که این روایت ناظر به قضیه‌ای خاص و قضیه خارجی باشد. بنابراین در صورت شک، استدلال به حدیث را در اطلاق احوال دچار مشکل می‌کند؛ زیرا همان‌طور که اشاره کردیم دلیل حکم مشخص نیست که چرا حضرت این دستور را داده‌اند. شاید مشکلی برای این شخص از پدید آمدن شبهه یا ابتلای به نجوم بر او عارض شده و حضرت برای خلاصی و رفع تردید او این دستور ارشادی را صادر کرده است.

دلیل روایی دیگر

این جمله از فقرات روایت تحف‌العقول است که دلالت بر حرمت حفظ کتب ضلال است: «و كل منهى عنه مما يتقرب به لغير الله تعالى أو يقوى به الكفر و الشرك من جميع وجوه المعاصى، أو باب يوهن به الحق، فهو حرام محرم بيعه و شراؤه و إمساكه و ملكه و هبته و عاريته و جميع التقلب فيه إلا فى حال تدعوا الضروره فيه إلى ذلك» «إنما حرم الله الصناعات التى يجىء منها الفساد محضاً» با این ادعا که مفهوم حصر، اقتضای حرمت صناعت محرم در تمام منافع آن و از آن جمله حفظ کتب ضلال می‌کند.

پاسخ: بر فرض صحت این روایت که سند آن ضعیف و اعتمادناپذیر است، حرمت ساخت بر طبق این مرسله، ملازمه با حرمت با ابقای شیء مصنوع ندارد، همان‌طور که در بحث ابقای صور محرمه این بحث مطرح شده است. بنابراین نهایت دلالت روایت این است که تألیف کتب ضلال یا استنساخ آن حرام است، چون که صدق صناعت بر آن می‌کند، ولی دلالت بر حرمت ابقای آن نمی‌کند.

در ادامه روایت تحف آمده است که: «و ما یکون منه و فيه الفساد محضاً - الی قوله (ع) - و جميع التقلب فيه من جميع وجوه الحركات كلها».

اشکال این فقره این است که صدق تقلب بر نگهداری و حفظ محل تأمل و ممنوع است، در نتیجه ما حدیثی و سیره‌ای بر ممانعت نداریم. حداکثر دلیل عقلی بر حرمت استفاده از کتب ضلال برای کسانی است که ظرفیت و معرفت دینی را ندارند و خواندن آنان موجب گمراهی و نه شک شود.

از ائمه ما نزدیک حدود ششصد روایت نقل شده که از حضرت عیسی، موسی و یا انجیل و تورات، مطالبی را نقل می‌کنند. این نقل‌ها بدین معناست که انجیل در آن زمان وجود داشته که حضرات معصومین، به وجود متونی در انجیل استدلال می‌کرده‌اند که امکان مراجعه مخاطب به انجیل برای فهم صحت یا سقم آن موجود بوده است.

یا در جای دیگر آمده است که هشام بن حکم در مسجدالنبی دید که در پای منبر ابن‌ابی‌العوجاء که مادی بود و اصلاً اعتقادی به خدا نداشت، جمعیتی جمع شدند. او بر فراز منبر این چنین می‌گفت: این مسلمان‌ها می‌روند دور و بر یک سنگی طواف می‌کنند، می‌چرخند ... و شروع کرد به اشکال کردن و تمسخر این احکام اسلامی. هشام خیلی ناراحت و عصبانی شد. بلند شد و از وسط جمعیت بر سر ابن‌ابی‌العوجا داد زد. ابن‌ابی‌العوجا سرش را بلند کرد و گفت: تو که هستی؟ شاگرد چه کسی هستی؟ گفت: من هشام هستم و شاگرد جعفر بن محمد (ع). منظورم این قسمتش است. این را همه علمای بزرگ ما و متأخران مثل آقای مطهری و دیگران نقل کردند. ابن‌ابی‌العوجا گفت: ولی جعفر بن محمد این‌گونه که تو با ما برخورد می‌کنی، برخورد نمی‌کرد. اول حرف‌های ما را گوش می‌دهد، می‌بیند که ما چه می‌گوییم، بعد هم استدلال می‌کند، نه این‌جور که تو سر و صدا و تکفیر می‌کنی و هیاهو راه می‌اندازی. اگر حرفی داری بگو. هشام وقتی این حرف‌ها را شنید، خیلی سرافکنده شد. چیزی نگفت و خودش را به سرعت به منزل امام صادق (ع) رساند و قصه را تعریف کرد. حضرت فرمود: تو باید یاد بگیری که چگونه حرف بزنی و استدلال کنی. یعنی این‌که انسان باید حرف‌های دیگران را بشنود و تأمل بکند، حتی اگر حرف مخالف باشد. خشونت، به مظلوم‌نمایی طرف مقابل منتهی خواهد شد.

با توجه به تعریفی که ابتدائاً نسبت به ضلال و کتب ضاله و معیاری که آنجا فرمودید، فرض کردیم که این بازی‌های رایانه‌ای مصداق ضلالت است. اینجا باز ما باید بحث نوع را لحاظ کنیم یا بحث شخص را؟ چون شما در مثال‌هایی که از روایات فرمودید امام (ع) خودشان از انجیل استدلال می‌کردند، بله شخص امام (ع) وقتی رجوع می‌کند، مسلماً شبیه در آن نیست که امام العیاذ باللّه انحراف پیدا بکند، ولی ممکن است نسبت به اشخاص دیگر، مطالعه این کتاب موجب ضلالت شود. در بازی‌های رایانه‌ای هم ممکن است نسبت به نوع کسانی که بازی می‌کند انحراف ایجاد نشود و فقط صرف یک سرگرمی باشد اما نسبت به یک سری اشخاص، واقعاً موجب انحراف بشود.

اگر این بازی‌ها برای شخص خاصی موجب انحراف شد، باید بگوییم برای آن شخص یا اشخاص حرام است نه برای همه. آن خانواده‌ای که می‌خواهند این وسایل را بخرند و در اختیار بچه‌هایشان بگذارند، اگر برای بچه‌هایشان موجب انحراف می‌شود، نباید بخرند و شخصاً این کار را نکنند. در رابطه با فیلمی به نام صحرا که صحنه‌های محرکی داشت، آقای خامنه‌ای نامه‌ای به امام نوشتند که

بعضی از مؤمنان ممکن است این صحنه‌ها را ببینند و منقلب شوند. این نامه در صحیفه نور موجود است. مرحوم امام پاسخ دادند که ملاک، بعضی افراد نیستند. بعد که ایشان نامه دوم را نوشتند، امام فرمودند: به آن مؤمنان بگویید نگاه نکنند.

بالآخره نوع ملاک است یا شخص؟

نه، این‌جا ملاک، شخص است.

پس اگر یک بازی نسبت به یک شخص موجب انحراف می‌شود، نمی‌توانیم به‌طور کلی حکم به حرمتش بدهیم.

بله، همین‌طور است. اصولاً مقوله‌های فرهنگی، مقوله‌های بالتحکیم هستند و نمی‌شود یک حکم کلی عام بر این‌ها تطبیق کرد. لذا به همین جهت است که در روایات ما در بحث لهو و لعب این قدر تشدد است. تشدد این روایات به این جهت هست که توجه نشده این روایات، صورت‌های مختلف داشته است، وگرنه چطور می‌شود که یکجا بگوید تغنی بکنید و جای دیگری بگوید که نکنید. الآن بعضی از علما، تغنی را حتی برای قرآن اشکال می‌کنند، در حالی که در روایت آمده است: «من لم یتغن بالقرآن فلیس منا». پس معلوم می‌شود آن تغنی، آن تغنی مقیده نیست. این یک تغنی مطلق هست. یعنی تغنی‌ها هو تغنی حرمت ندارد. این‌که روایات ما دچار تشدد است، نشان می‌دهد که تغنی و غناء خصوصیات و قیودی دارد و امروز فقهای ما بر حق در بحث غنا این قیود را آوردند، این چند تا قید را اضافه کردند تا بگویند که اگر این قیود حاصل شد، غنای حرام حاصل می‌شود و تشخیص این قیود هم با خود فرد است.

اگر یک بازی به‌صورت نوعیه ضرر داشت و حکم حرمت به صورت کلی بار شد، ولی برای شخصی، این ضرر وجود نداشت، حکم او چیست؟

در این‌جا حرمت برای این فرد نیست، بلکه قضیه شخصیه می‌شود و این شخص از حکم حرمت استثناء می‌گردد.

آیا اگر قمار یا شراب هم برای شخص خاصی ضرر نداشت، نسبت به وی، قائل به اباحه شوید؟

بله. مثلاً درباره مشروب گفته‌اند اگر طبیب برای شخصی تجویز کرد که بخورد، اشکال ندارد.

- ز :
آسیب های بازی
HTTP://MAG.IJTIHADNET.IR/TAG/%D8%A8%D8%A7%D8%B2%DB%8C-%D9%A7%D8%A7%DB%8C-%D8%A2%D8%B3%DB%8C%D8%A8-(/D8%B2%D8%A7
- سید محمدعلی
HTTP://MAG.IJTIHADNET.IR/TAG/%D8%B3%DB%8C%D8%AF-%D9%A5%D8%AD%D9%A5%D8%AF%D8%B9%D9%A4%DB%8C-(/D8%A7%DB%8C%D8%A7%D8%B2%DB%8C
- فقه بازی
HTTP://MAG.IJTIHADNET.IR/TAG/%D9%A1%D9%A2%D9%A7-(/D9%A8-%D8%A8%D8%A7%D8%B2%DB%8C
- فقه بازی و رایانه های بازی
HTTP://MAG.IJTIHADNET.IR/TAG/%D9%A1%D9%A2%D9%A7-%D9%A8-%D8%A8%D8%A7%D8%B2%DB%8C-%D9%A7%D8%A7%DB%8C-%D8%B1%D8%A7%DB%8C%D8%A7%D9%A6%D9%A7-(/D8%A7%DB%8C
- کتب ضاله
HTTP://MAG.IJTIHADNET.IR/TAG/%DA%A9%D8%AA%D8%A8-(/D8%B6%D8%A7%D9%A4%D9%A7

مجله الکترونیکی | اداره کل آموزش |
شبکه اجتهاد | دفتر تبلیغات اسلامی خراسان رضوی

(/http://google.com) (/http://twitter.com) (/http://facebook.com)
(/http://pinterest.com) (/http://dribbble.com) (/http://linkedin.com)
(/http://rss.com)